



بررسی «عشق و عرفان» در یک دهه مقالات سعدی شناسی

فاطمه مرتضوی^۱ (نویسنده مسئول)

دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد شمال تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اصغر دادبه^۲

مدیر گروه ادبیات فارسی دانشکده معارف بزرگ اسلامی، تهران، ایران.

بهرام پروین^۳

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شمال تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۹

چکیده

سعدی شناسی حوزه‌ی پژوهشی گسترده‌ای است که به آثار و افکار سعدی در ساحت‌های مختلف می‌پردازد. «عشق و عرفان» یکی از برجسته‌ترین مفاهیم پژوهشی این حوزه است که با شورانگیزی و تأویل‌پذیری عاشقانه‌های سعدی ارتباط دارد مطالعه‌ی آثار تحلیلی و انتقادی در این زمینه، اختلاف نظر زیادی را نشان می‌دهد که قابل تأمل و بررسی است. در پژوهش حاضر تعداد ۱۹ مقاله در یک دهه سعدی پژوهی بررسی و تحلیل می‌شوند تا ارزش و منطق دیدگاه‌های مختلف سنجیده و نیازهای پژوهشی تازه شناخته‌شود و به پرسش‌هایی چون اولویت با عشق مجازی است یا حقیقی و چیستی و چرایی اختلاف نظر

۱. Mortazavi.fateme^{۴۸}@yahoo.com

۲. adaadbeh@yahoo.com

۳. p.bahram^{۴۷}@yahoo.com

پژوهندگان چنین پاسخ دهد که قائل شدن به هر یک از انواع عشق با دلایل و شواهد متقن، معتبر و پذیرفته است و با تکیه بر روش تحلیلی خواننده‌مدار می‌توان خواننده و پژوهشگر را در برداشت‌های قاعده‌مند و مستدل آزاد دانست بنابراین رسیدن به یک اجماع کلی و نظر واحد در این زمینه درست و شایسته نمی‌نماید. این پژوهش با رویکردی کیفی و روش تحلیلی-توصیفی با مطالعه مقالات مورد نظر و منابع کتابخانه‌ای مرتبط این نتیجه را نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام شده با همه اختلاف دیدگاهها ارزشمند و معتبر و منابع مطالعاتی خوبی برای علاقه‌مندان هستند.

واژه‌های کلیدی: عاشقانه‌های سعدی، عشق، عرفان، اختلاف دیدگاه، خواننده‌مدار، سعدی پژوهان

۱) مقدمه

سخن بیرون مگو از عشق، سعدی سخن عشق ست و دیگر قال و قیل است دامنه گسترده سعدی پژوهی تاکنون توانسته است وجوه گوناگون آثار و افکار و شخصیت سعدی (غزل ۷۴) اما فراوانی این پژوهش‌ها نه تنها بسنده نیست بلکه تلاشی مضاعف می‌طلبد تا هم مجموعه پژوهش‌های پیشین را غنی‌تر کند و هم زوایای تازه‌ای را بر جویندگان و علاقه‌مندان مکشوف سازد. از جمله علل گسترده‌گی و پویایی این حوزه، گوناگونی موضوع و جامع‌الاطراف بودن بی‌زمانی و بی‌مکانی، هم‌صدایی و هم‌سویی با ارزش‌های اخلاقی و روش‌های تربیتی، آرمان‌گرایی، توجه به عواطف پاک و انسانی و عشق به حقیقت و آدمیت و آفرینش و عوامل ارزشمند دیگری ست که در آثار و اندیشه سعدی جای دارند و بر پایه‌های فکری، اعتقادی، تربیتی و تاریخ و اجتماع سعدی استوارند و در فرهنگ غنی این مرزوبوم ریشه دارند.

سعدی دوره‌های پرآشوب تاریخی و اجتماعی و عصرهای پر از تراحم نحل‌های فکری و فلسفی به‌ویژه گرمی بازار زهد و تصوف را پشت سر و اندیشه خود دارد و بی‌تردید تأثیرپذیری‌های ناگزیر از آنها داشته است؛ وی با آمیختن آن‌ها با تجارب پربار سفر و تدریس و تحصیل دانش‌های آن روزها، آثاری ماندگار خلق می‌کند و همه دانش و خلاقیت و هنر و اندوخته‌های فکری خود را در مجموعه آثارش برای آیندگان به یادگار می‌گذارد.

۱-۱) بیان مسئله: یکی از مهمترین مفاهیم موجود در آثار سعدی مسئله «عشق و عرفان» است که بخش قابل ملاحظه‌ای از پژوهش‌های سعدی شناسانه به آن اختصاص دارد. این موضوع کلیدی و مهم و پیشینه ورود و سازوکار وجود آن در اندیشه سخنوران و بزرگان ادب از جمله سعدی نکته‌ای حائز اهمیت است یک

سوی این قضیه مسائلی چون رونق خانقاه‌ها و مراکز صوفیه، چیرگی فقه شافعی و تفکر خاص اشعری، حضور مشایخ بنام، تأثیرات تعالیم شیخ شهاب‌الدین و آثار و افکار غزالی، رواج اندیشه‌ی تقدیرگرایی و این-گونه مسائل اعتقادی و فکری رایج آن زمان و در سوی دیگر تحول مضمون‌های ادبی که از زمان سنایی آغاز شده و مفهوم عشق را در شعر و ادبیات متحول کرده‌بود قرار دارد عواملی که در ریشه‌یابی‌منظور سعدی از عشق مورد توجه و نقد و تحلیل قرار می‌گیرند و با توجه به مجموع این عوامل دیدگاه‌های متفاوتی در باره‌ی عاشقانه‌های سعدی عرضه می‌شود که برخی یکسونگرانه و متعصبانه و برخی متعادل‌تر و میانه‌رو و منطقی‌ترند. («...استادان فروغی و یغمایی غزل‌های او را به دو بخش موعظه و حکمت و منازله و معاشقه تقسیم می‌کنند، برخی چون دشتی، پورنامداریان، شمیسا و کاتوزیان آن را عاشقانه با الهام از تقسیم‌بندی تاریخی، اوج غزل عاشقانه می‌دانند، برخی چون ضیاء موحد آن را به عاشقانه، عارفانه، پندآموز تقسیم می‌کنند و کسانی چون دکتر حمیدیان آن را عارفانه، آشکارا عارفانه و آشکارا غیرعارفانه می‌نامند.» (کمالی سروسناتی، ۱۳۹۰، ۷).

۲-۱) هدف: این پژوهش در صدد است توضیحی موجه برای این‌گونه تفاوت دیدگاه‌ها در تعدادی از مقالات بیابد، تفاوتی چنان که گاه دیده می‌شود یک شاهد مثال واحد برای دو دیدگاه کاملاً متضاد مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تفاوت نگرش به مقوله‌ی عشق این ذهنیت را نیز می‌پرورد که شاید بشود با توجه به نظریه عدم قطعیت معنی و با دیدی نسبی به عاشقانه‌های سعدی نگاه کرد.

نقد و بررسی عاشقانه‌ها و عارفانه‌های سعدی از نگاه صاحب‌نظران تلاشی است برای کمک به شناخت بهتر سعدی و آرا و افکار او به خوانندگان. نقد و واکاوی وجه غالب تفکر سعدی و عارفانه یا عاشقانه بودن «عشق» و دیدگاه‌های دیگر در این زمینه می‌تواند رشته‌ی شناخت سعدی را دقیق‌تر و باریک‌تر کند، زوایای مغفول و مبهم را بازنماید و امکان شرح و تفسیر و تطبیق را بهتر فراهم کند.

۳-۱) پیشینه‌ی تحقیق: جریان پیش‌رونده و دراز دامن سعدی‌پژوهی با سابقه‌ی طولانی و از زمان کوتاهی پس از درگذشت سعدی به صورتی ساده آغاز شد^۱ اما بیشترین پژوهش‌ها از جمله پژوهش‌های انتقادی و تحلیلی استوار در زمینه‌های متعدد شناختی مانند شخصیت، تاریخ و اجتماع سعدی، تفسیر و تحلیل، تطبیق و مقایسه، روابط بینامتنی و... به دوره‌ی متأخر مربوط است؛ دوره‌ای که مبنای نقد و شناخت و دیدگاه‌های انتقادی، اصول مکاتب نقادی جدید و سایر مکتب‌های شناختی مانند زبان‌شناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و... است و حاصل آن مقالات و آثار ارزشمندی در این زمینه می‌باشد. علاوه بر تذکره‌ها و منابع کهن مانند شدال‌الآزار (۷۹۱)، سفرنامه ابن بطوطه (قرن ۸)، نفحات الانس جامی (قرن ۹)، تذکره الشعرا دولت‌شاه سمرقندی (قرن ۹) و... و تاریخ ادبیات‌های جدیدتر مانند: تاریخ ادبیات ادوارد براون و ذبیح الله صفا منابع

اصیل دیگری مانند: بحث دربارهٔ سعدی (هانری ماسه)، سبک شناسی ملک الشعراى بهار، سعدی (ضیاء موحد) و... و مجموعه‌های ارزشمند «ذکر جمیل سعدی» (مجموعه مقالات) و فرهنگ سعدی پژوهی (کاووس حسن‌لی) و مجموعهٔ تخصصی مرکز مطالعاتی و پژوهشی سعدی شناسی و منابع بسیار دیگری است که پشتوانهٔ استواری برای مقالات و آثار جدید در این زمینه هستند. جمع‌بندی و فهرست نگاری و معرفی و تحلیل بخش عظیمی از این فعالیت‌های مکتوب توسط دکتر کاووس حسن‌لی در فرهنگ سعدی پژوهی صورت گرفته و نمونه دیگری از این کار را خانم فرزانه معینی در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود انجام داده‌است.^۲ پژوهش حاضر با موضوع و روشی متفاوت بررسی و تحلیل تعدادی مقاله در یک دوره ده ساله (۹۵-۱۳۸۶) با موضوع عشق و عرفان است که نمونه و همانندی برای آن در کارنامهٔ سعدی پژوهی تاکنون ارائه نشده‌است.

۴-۱) پرسش‌های پژوهش: گرایش اصلی سعدی دربارهٔ عشق کدام نوع آن است؟ کلیت عشق، عشق حقیقی یا عشق مجازی؟ آیا این پژوهش می‌تواند در نهایت به یک نظر و قضاوت واحد در این زمینه بینجامد؟ آیا می‌توان آثار متعدد سعدی را به طور جداگانه و بر مبنای تفکر عاشقانه یا عارفانه بررسی کرد؟ دیدگاه عرفان نامه بودن بوستان و عشق عرفانی در غزلیات تا چه پایه و با چه استدلالی درست می‌نماید؟ اگر رنگارنگی منشور وار مفاهیم عشق و عرفان را در مطالعه و بهره‌مندی از آثار سعدی در نظر داشته باشیم و به دنبال اثبات قطعیت معنی نباشیم چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟ این گونه مقالات توصیفی و تحلیلی چه تأثیری در درک و دریافت بهتر مفاهیم و معانی در زمینهٔ مورد مطالعه دارند؟

۵-۱) روش تحقیق: ماهیت این پژوهش توصیفی و تحلیلی و عناصر اصلی آن تفسیرها و اظهارات منتقدانه و مستدل محقق است که با رویکردی کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای (کتاب، مقاله) انجام شده است. برای رسیدن به هدف و نتیجه مورد انتظار تک تک مقاله‌ها مطالعه و بررسی شده و یافته‌های ادراکی و اطلاعات کیفی آن‌ها با درک هدف و دیدگاه نویسندگان و به شیوهٔ تحلیلی استقرایی نوشته شده‌اند با این امید که بتواند به سؤالات پژوهش پاسخ مناسب بدهد.

چنانکه در مقدمه اشاره شد بررسی عشق و عرفان در آثار سعدی بحثی دراز و پرحاشیه است که بسیاری از کتابها و مقالات و مباحث این حوزهٔ پژوهشی را به خود اختصاص داده و بیشترین تمرکز آنها نیز بر پرآوازه‌ترین آثار سعدی یعنی غزلیات، بوستان و گلستان است. از این میان باتوجه به چگونگی ساز و کار درونی و مفهومی قالب غزل و عطف نظر به اینکه محوری‌ترین موضوع غزل فارسی عشق و عرفان است این بخش (غزلیات) بیشتر مورد پژوهش قرار گرفته‌است.

در این پژوهش که تعداد نوزده مقاله در دوره ده ساله ۹۵-۱۳۸۶ مطالعه و بررسی می‌شوند^۳، به دو دیدگاه کلی پژوهندگان یعنی «عشق» و «عرفان» و نیز دیدگاه سومی با عنوان «متن باز» که همان نظریه خواننده‌محور یا عدم قطعیت معنی است پرداخته می‌شود تا بتوان نظر به پژوهش‌های انجام شده پیشین خط سیر تفکر سعدی نموده و روزنه‌ای تازه در این گسترده گشوده‌گردد.

۲) تحلیل و بحث

۲-۱) عشق

۱-۱-۲) اصالت و کلیت عشق

عبارت «عشق جان مایه آثار سعدی است» حقیقت موجز و رسایی است که در اغلب نقد و تحلیل‌های سعدی پژوهی دیده می‌شود. این حقیقت همراه با اختلاف نظرها درباره نوع و چگونگی و چیستی عشق از جمله نکات بحث‌برانگیز این زمینه پژوهشی است. تعاریف گوناگون و متعددی که درباره عشق و انواع آن در منابع ذکر شده، زمینه این تحلیل‌ها را فراهم کرده که کوتاه‌ترین و مهم‌ترین تقسیم‌بندی آن همان «عشق حقیقی» و «عشق مجازی» است که هرکدام زیر مجموعه‌هایی دارند و با عنوان اصلی در توصیف و معانی مشترکند^۴.

آنچه در اغلب این مقالات دیده می‌شود «اصالت عشق» است یعنی همان چیزی که محور اصلی کلام و اندیشه سعدی است. عشقی اصیل که می‌تواند از زمین آغاز شود و پس از گذر از مراحل و مراتبی به کمال و پختگی و به حقیقت منتهی شود. عشقی که ویژه انسان است و در رابطه با مبدأ و کل عالم هستی و پدیده‌ها یا انسانی دیگر شکل می‌گیرد و معنی پیدا می‌کند.

تأکید بر وجود جوهر عشق در تار و پود کلام سعدی و کلی بودن مفاهیم آن همراه با بیان زیبای تصویری وی امکان برداشت‌های چندگانه را نیز به خواننده و پژوهشگر می‌دهد اما این نکته از اعتبار و کلیت این مفهوم نمی‌کاهد.

بن مایه ادبیات غنایی و غزل به عنوان قالب شاخص این نوع ادبی همواره عشق و احساس است از دیگر سو آشکار است که ادبیات عرفانی نیز تا چه پایه بر محور عشق می‌گردد. پس وجود این مفهوم در اندیشه و آثار سعدی وجودی ناگزیر است.

در کتاب «تکوین غزل و نقش سعدی» که ویژگی عرفانی بودن محض یا حداکثری تأیید نمی‌شود نویسنده معتقد است: «سعدی در غزل جنبه‌های زیبادوستی و کمال جویی احساس و عاطفه انسان عصر خویش را سروده است» (عبادیان، ۱۳۸۴، ۱۰۸). و نیز سعدی «شاعر عشق منفرد و تصادفی و شخصی نیست و دید هنری و پیامبرگونه به عشق و زیبایی دارد». (همان، ۸۸). این گونه توصیفات زیبا و عمیق از «عشق» سعدی

همان چیزی است که به بیان‌های متفاوت و به طور آشکار یا ضمنی در بیشتر این مقالات نیز دیده می‌شود، نگاهی کلی به عشق که هم با اصل آثار سعدی و هم با نظر کلی خوانندگان مطابقت خوبی پیدا می‌کند. یعنی اکثر نویسندگان و پژوهندگان پذیرفته‌اند که این عشق در اصل همان عشقی است که برخاسته از جمال‌طلبی و کمال‌جویی است و بازتاب شرایط و رفتارها و خواسته‌ها و اندیشه‌های اجتماع و مردم عصر اوست و انحصاراً مربوط به شخص او نیست. این هنرمندی و کلام دلنشین و بیان سهل و ممتنع اوست که حواث و حکایات و توصیفات عاشقانه را گاه متمایل به شخص او و عشقی منفرد می‌شود و گاه مفهوم عشق عرفانی را قوی‌تر می‌کند؛ درحالی‌که وی با کمال‌گرایی ذاتی‌اش اصل عشق و زیبایی پسندی را با همه زوایای پیدا و پنهانش سروده و این همان است که اجازه برداشت‌ها و تعبیر مختلف را می‌دهد. عشقی که از درک جمال آغاز می‌شود و موضوعات دیگر به مرکزیت و محوریت آن شکل می‌گیرد. این دیدگاه می‌تواند اولین و بنیادی‌ترین گام شناخت از عشق در آثار سعدی باشد.

۲-۱-۲) عشق مجازی

تورا عشق همچون خودی ز آب و گل ربایید همی صبر و آرام دل

(بوستان - باب سوم)

عشق مجازی اطلاق یک لفظ است بر یک معنی کلی و همه‌ی عناوین و تعبیر جزئی آن مانند: عشق نفسانی، عشق عقیف، عشق غریزی، عشق طبیعی و...^۵.

سعدی پژوهان زیادی با دلایل پذیرفتنی به عشق مجازی در سراسر آثار سعدی باور دارند هرچند آنان نیز عموماً وجود عشق حقیقی و عرفان را یکسره انکار نمی‌کنند این دسته بنا به چیرگی اندیشه واقع‌گرایی و تفکرات اجتماعی سعدی و نوع بیان عاری از پیچیدگی‌های مفهومی و عرفانی در اشعار عاشقانه‌اش، عشق مجازی را برجسته‌تر می‌بینند. در کتاب شرح غزلیات (فرح نیازکار) فهرستی از این پژوهندگان آمده است که جهت اطلاع به آن منبع ارجاع داده می‌شود. اما از مقالات بررسی شده‌ی موردنظر فقط یک مقاله منحصرأ به این عشق نظر دارد آنهم در مقام مقایسه و تأثیرپذیری سعدی از شاعران تازی.

در مقاله «بررسی عاشقانه‌های تازی سعدی» نویسنده در پی اثبات و نشان دادن همه نشانه‌های و این تأثیرپذیری است و ضمن توصیفی ویژه از عشق به نام «عشق همراه با خرمندی» (نوعی عشق مجازی که کمی از سطح زمین و آلودگی‌های مادی فراتر می‌رود و اندیشمندانه می‌شود). فقط عشق مجازی را نشان می‌دهد.

وی در مقام مقایسه و تطبیق این نتیجه را حاصل می‌کند که عشق مجازی در عاشقانه‌های تازی سعدی بیشتر از نوع «حب عذری» است. همان عشق پسندیده و محجوبی که محور فکری شاعران تأثیرگذار عرب بوده است. این نتیجه‌گیری از لحاظی درست است زیرا جز این نوع عشق در شعر شاعران عربی را که نام برده و سعدی پیرو آنها دانسته شده است دیده نمی‌شود و به دلیل نبودن صبغه عرفانی در شعر آن شاعران تأثیرپذیری از آنها در این زمینه خواه ناخواه مردود است. از آنجائیکه همه و یژگی‌هایی عشق در عاشقانه‌های عربی منطبق بر معشوق زمینی است نویسنده‌ی مقاله نیز در پی آن نیست که آنها را با سنجه‌های عرفانی بسنجد و به نتیجه برسد.

اگرچه این مقاله اختصاصاً به این نوع عشق نظر دارد اما چنان نیست که همه مفاهیم عشق را در آثار سعدی چنین بداند بلکه این شرح و تفسیر مربوط به بخش عاشقانه‌های تازی سعدی است که آن را هم مستدل می‌داند. گذشته از این مقاله اشارات پراکنده‌ای هم در مقالات دیگر یافت می‌شود و از مجموع آنها چندین و یژگی و نکته برجسته استخراج و مورد بررسی قرار می‌گیرد. پر واضح است که این نویسندگان هیچ-کدام نظر قاطع به عشق مجازی در آثار سعدی ندارند و در خصوص پاره‌ای از اشارات نیز به بیان نظرات دیگر نویسندگان و همان مثال‌هایی که پیشینیان آورده‌اند اکتفا می‌کنند.

۳-۱-۲) آمیزه عشق حقیقی و مجازی

عشقی که «جان‌مایه» آثار سعدی از جمله غزلیات اوست فقط معطوف به انسان نیست بلکه یک عشق عمیق انسانی است که با جلوه‌های فراوان آفرینش سروکار دارد و در نهایت هم در شاهراه «عشق حقیقی» قرار می‌گیرد و به عرفان منتهی می‌شود. سعدی اعتقاد استوارش به شریعت و حکمت و اخلاق را با عشق می‌آمیزد و یک اندیشه لطیف و متعالی انسانی عرضه می‌کند. بیشتر مقالات بررسی شده به نوعی به درآمیختگی حقیقت و مجاز عشق توجه نشان داده‌اند و معتقدند توصیفات عشق در آثار شیخ هم می‌تواند دلالت بر عشق ظاهر داشته باشد هم یک عشق متعالی و هریک با تکیه بر شواهد و دلایل و باور و دانش خود درباره نوع آن نظری ارائه می‌دهند.

بر همگان روشن است که سعدی راه و رسم عاشقی را هم خوب می‌داند هم خوب به قلم آورده است اما به راستی اینهمه شور عاشقانه را چگونه باید تعبیر کرد؟

مطالعه مکتوبات و مقالاتی که به عشق از دیدگاه سعدی پرداخته‌اند می‌تواند اختلاف و اتفاق نظر پژوهندگان زیادی را درباره این مفهوم روشن کند. حقیقت اینست که عشق و عرفان در آثار سعدی آنچنان درهم تنیده‌اند که جداسازی و مرزبندی و اثبات هرکدام جسارت و دانش و منطق قوی می‌خواهد. «... در غزل‌های سعدی می‌توان به وحدتی دست یافت که اگرچه نشانه‌هایش در عالم خاکی و مادی یافت می‌شود

اما غایت آرمانی دارد از همین روست که اندیشه‌های ماورایی وی چنان در این جهان تنیده شده که فرق میان آن دو گاه دشوار می‌نماید.» (نیازکار، ۱۳۹۰، ۱۱). با اینهمه سعدی پژوهان گاه به جداسازی برخی سروده‌ها از جمله غزلیات دست زده‌اند. تقسیم‌بندی غزلیات استاد فروغی و یا کاربرد عبارات: «آشکارا عرفانی» و «آشکارا غیرعرفانی» و عباراتی از این دست نشان از تقسیم‌بندی و باور حاکم بر آن دارد. با پذیرش این اصل که سعدی عاشقانه سراسر وقتی موضوع کلی عشق را پایه قرار دهیم هر مشرب فکری که نشانی از عشق داشته باشد در آن حیطه جای می‌گیرد و با توصیفات آن قابل تعبیر می‌شود. اینکه سعدی را «شاعر عاشق» یا «شاعر عارف» (موحد، ۱۳۷۳، ۲۱۰) بدانیم یا سعدی را اختصاصاً «عاشق کمال و زیبایی» (عبادیان، ۱۳۷۳، ۱۲) توصیف کنیم همه نشان از این دارد که شاخص اندیشه سعدی به ویژه در غزل «عشق» است. حد میانه آنست که عشق سعدی را نه عارفانه محض بدانیم و نه عاشقانه محض و بهتر اینست که عبارات و مفاهیم و توصیفات که دلالت بر این معانی می‌کنند را ابزار بدانییم برای بیان یک اندیشه کلی در باب مفهوم جامع و فراگیر «عشق» و حتی عشق مجازی را نه بیان احساس و عاطفه‌ای هوس آلود و گذرا بلکه عاطفه‌ای اصیل و قابل ستایش بدانیم که مقدمه عشق حقیقی و مرحله‌ای از رسیدن به کمال انسانی است. پس عشق مجازی در آثار سعدی عشقی بی‌هویت و ناپویا نیست بلکه احساسی غنی و زاینده است که در نهایت به حقیقت می‌رسد. در مجموعه مقالات موردنظر شش مقاله^۱ به وضوح بر آمیزه عشق و عرفان و اصالت عشق تأکید دارند و سخن مشترک همه آنها اینست که هرگاه عشق محور باشد مفاهیم عرفانی هم مجال حضور دارند چرا که این دو مقوله از هم جدا نیستند. بنابراین در آثار سعدی با توجه به اندیشه و جهان بینی او می‌توان نشان داد انواع عشق در عرصه آثار سعدی حضور دارند.

۴-۱-۲) پارادوکسها و تقابلهای در عشق

ما با توایم و با تونه‌ایم اینت بوالعجب در حلقه‌ایم با تو و چون حلقه بر دریم
مطلب دیگری که در این مقالات در حیطه عشق بدان توجه شده است پارادوکسهای عاشقانه است که هم
درباره انواع عشق صدق می‌کند. این تقابلهای و تناقضها بعضاً نوع عشق را از دید پژوهنده نشان می‌دهد اما
بیشتر شکل‌گیری آنها به سود عشق عرفانی تلقی می‌شود.
عشق همواره «احساسی پارادوکسیکال» است یعنی مجموعه‌ای از ناسازواریها و تناقضها و احساسات
متباین و این ویژگی و توصیف در تعدادی از مقالات موردنظر دیده می‌شود.

تضادها و تناقض‌های دائمی و حل‌نشدنی عشق را دکتر حمیدیان در مقاله «میان ماندن و رفتن» موضوع بحث خود قرار داده است که همین عنوان دو دلی و تردید را میان دو امر نشان می‌دهد.

پارادوکس‌های عاشقانه در متون عرفانی متناسب با همان متون و بیشتر به صورت شطحیات خود را نشان می‌دهند مانند بی‌بال و پر پریدن و بدون تر شدن بر آب راه رفتن که این گونه‌های عارفانه‌ی پارادوکس اختصاص به سعدی ندارد.

مجموعه این تناقض‌ها چه از نوع عرفانی و چه از نوع ملموس و زمینی آن نشان می‌دهد که عشق مجازی و حقیقی در این صفات مشترک هستند و این صفات مشترک موجب می‌شود بتوان معنی یکی را بر دیگری حمل کرد.

سعدی در ابیاتی که سویه عرفانی قوی‌تری دارند این تناقض‌ها را فراتر از یک صنعت بلاغی و با ارزش معنایی و هنری والایی سروده است:

آن عجب نیست که سرگشته بود طالب دوست عجب آنست که من واصل سرگردانم

از مجموعه مقالات مورد نظر تعدادی این صفت بارزش معنایی را با ذکر مثال و نمونه به روشنی شرح داده و توجه خواننده را به آن معطوف داشته‌اند تا اهمیت این ویژگی عشق را در عاشقانه‌های سعدی نشان بدهند.

۵-۱-۲) عقل و عشق

ماجرای عشق پرسیدم ز عشق گفتم معزول است و فرمانیش نیست
تقابل عقل و عشق یکی از موتیف‌های مهم و معروف ادبیات غنایی فارسی است. تضاد و تقابلی که همواره در آن عشق میدان‌دار و سلطان بلامنازع است و عقل با همه‌ی جلالش در برابر آن سلطان به زانو درمی‌آید. مجموعه آثار سعدی که از همین نوع ادبی نیز شمرده می‌شوند این مفهوم را به خوبی به تصویر کشیده است.

سعدی در گلستان انسانی واقع‌گرا و واقع‌بین است. آنجا قاعداً حکم اصلی را عقل صایدر می‌کند و اوست که به تجزیه و تحلیل امور واقع و جاری کمر می‌بندد. در گلستان به سبب خاستگاه اجتماعی و منطقی و تفکر حاکم بر فضای عمومی آن، عقل در صدر جای دارد و سعدی با دیدی خردورزانه به تبیین رویدادها می‌پردازد. در بوستان که هدف سوق دادن اخلاق فردی و اجتماعی به سوی بهترین‌ها و آرمانی‌ترین‌هاست نیز حکومت عقل اعتبار دارد تا به کمک آن بایدها و نبایدها تمیز داده‌شوند و اعمال و رفتار براساس معیارهای پسندیده شکل بگیرند. ارزش عقل و خرد در کتاب بوستان چنان است که باب اول «عدل و تدبیر و رای» نام گرفته است. اما در غزلیات جریان متفاوتی پیش‌رو داریم یعنی برتری عشق بر عقل. در عالم عشقبازی و در

غزلیات که همه چیز بر محور عشق می‌چرخد، فقط عشق فرمان می‌راند و پادشاهی عقل جایگاهی ندارد زیرا:

فرمان عشق و عقل به یک جای نشنوند غوغا بود دو پادشه اندر ولایتی

(غزل ۵۳۱)

در رساله کوتاه «عقل و عشق» سعدی دقیقاً به همین جدال همیشگی نظر دارد و اگرچه ابتدا به بیان ارزش و اعتبار عقل می‌پردازد و به سخن پیامبر استناد می‌کند اما عقل را فقط چراغ راه و یک ابزار می‌داند و نه اصل راه و هدف، عقل آنجا در خدمت عشق است و سرباز فداکاری در التزام و رکاب عشق. عنوان مقاله «مرد را راه به حق عقل نماید یا عشق» همان پرسش آغازین رساله عقل و عشق است. در این مقاله نویسنده این موضوع پرتکرار را کاویده و به تفسیر و تحلیل آن مبادرت کرده است و اگر نبود جای خالی توجه به این رساله کوتاه و مهم سعدی در بخش عاشقانه‌ها کاملاً مشهود می‌نمود.

۶-۱-۲) عشق عذری

«عشق عذری» یا «حب عذری» عشقی پاک و عقیف و چیزی معادل عشق افلاطونی در غرب است. نمونه شاخص این عشق در ادبیات فارسی در داستان لیلی و مجنون نظامی دیده می‌شود. این عشق می‌تواند برگرفته از عشق‌های پاک و بی‌آلایشی باشد که در ادبیات عرب موضوع بسیاری از سروده‌ها بوده است. عاطفه پاک و صداقت عشق‌های زمینی در آثار سعدی نیز از این دست شمرده می‌شوند. همه پژوهندگانی که به بررسی عشق در شعر سعدی پرداخته‌اند به این نکته رسیده‌اند حتی آنجا که عبارت «عشق خردمندانه» را به کار برده‌اند اشاره به همین گونه عشق دارند.

اگرچه در برخی منابع و مقالات پیشین به نوع مقابل این عشق یعنی عشقی منحرف یا همان شاهدبازی اشاراتی رفته و سخنانی گفته و حکایاتی دال بر این ادعا نیز آورده شده است اما در مقالات مورد بررسی به جز توجه به همین عشق پاک در آثار سعدی چیز دیگری دیده نمی‌شود.

۷-۱-۲) نظریازی

نظر کردن به خوبان دین سعدیست مباد آن روز کواو برگردد از دین

(غزل ۴۷۵)

« نظر نقطه آغاز عشق است» مفهوم نظربازی عموماً درباره معشوق زمینی معنا پیدا می‌کند چرا که معشوق حقیقی ذاتی متعالی و فراتر از نظرکردن با تعبیر عمومی و سطحی آن است. اما همین عبارت به صورت استعاری و در بُعدی عمیق‌تر برای عشق عرفانی کاربرد دارد.

در شعر سعدی نظربازی‌ای که حرام نیست نظر به معشوق حقیقی است. این یک سوی این جریان است که معتقدان به سویه عرفانی مفاهیم به آن باور دارند و از سوی دیگر باوری مانند نظر برخی مشاهیر عرفا^۷ که زیارویان را گواه جمال حق دانسته‌اند و نظر به آنها را نیکو و پسندیده می‌دانند نیز مطرح است.

درباره نظربازی در آثار سعدی دو جنبه عرفانی و عاشقانه مورد توجه قرار گرفته و برای هرکدام نیز دلیلی از متن آثار ذکر شده است، آنچه از مجموعه مقالات و آثار سعدی پژوهی در این زمینه برداشت می‌شود توجه بیشتر به مفهوم نظر از دید زمینی آنست و دقیقاً همانجاست که سعدی با وابستگی تام به شریعت و پیروی از اصول آن گاه بر دل و دین خود لرزیده است و گاه با توجیهاتی لطیف و هنری و عاشقانه آن را برخورد روا دانسته. پس جاهایی که سعدی حکم نظر به زیارویان را از دید شریعت بازگو می‌کند و آن را به گونه‌ای به منع شرعی وصل می‌کند و یا برای خودش جواز نظر می‌گیرد در اصل توجه به زیارویان زمینی است.

خود گرفتم که نظر بر رخ خوبان کفر است
من از این بازنگردم که مرا این دین است

که گفت در رخ زیبا نظر خطا باشد خطا بود که نیند روی زیبا را
(غزل ۸۷)

گویا سعدی نظر به روی خوبان را از گونه‌ای خاص از نظر می‌داند که نباید در چون و چراها و ممانعت-
های شرع گیر بیفتد.

گویند نظر به روی خوبان نهی است نه این نظر که ماراست

شواهد فراوان نشان می‌دهد بیشتر توجه سعدی به نظر همین است که گفته شد و بیشتر سعدی پژوهان نیز به همین وجه توجه نشان داده‌اند. اما نظربازی سعدی گاه جنبه حقیقی پیدا می‌کند و نظر ظاهری را با رشته معرفت به نظر حقیقی پیوند می‌دهد.

باور مکن که صورت او عقل من ببرد عقل من آن ببرد که صورت نگار اوست
گر دیگران به نظر منظر زیبا نظر کنند ما را نظر به قدرت پروردگار اوست

(غزل ۹۳)

۲-۲) عرفان

۲-۲-۱) تفکر عرفانی غالب در آثار سعدی

بیشتر مقالات این دوره غلبه وجه عرفانی آثار سعدی را وجهی همت خود قرار داده و از این زاویه به آثار سعدی نگریسته‌اند و عوامل متعددی که باعث صحه گذاشتن بر این برتری شده‌است را برشمرده‌اند. تأثیرپذیری سعدی از استادان عرفان و تصوف، تفکر عرفانی غالب در عصر سعدی، ذکر نام برخی عرفا و بیان سخنان و توصیفات نیک آنها، نام بردن از استادان بنامی که سعدی در محضر آنها تعلیم دیده است، ذکر اصطلاحات عرفان و تصوف، نام‌گذاری برخی باب‌های گلستان و بوستان، برخی از رسالات شیخ که صرفاً جنبه عرفانی دارند^۱، توصیفات از عشق که با معشوق فناپذیر زمینی سازگار نیست، همه و همه دلایل مهمی هستند که باعث شده است برخی پژوهندگان، موضوع اصلی عاشقانه‌های سعدی را عشق عرفانی بدانند. از دیگر دلایل این باور، کلی بودن زبان سعدی و بیان تصویری اوست که امکان تأویل عرفانی را به ویژه در غزلیات به دست می‌دهد.

مقاله «جایگاه عرفان و تصوف در اندیشه‌های اسلامی...»^۲ ۷۰ درصد از غزلیات سعدی را عارفانه با محتوا و رنگ تند اصطلاحات عرفانی می‌داند (ص ۱۵). در این دسته از مقالات که در واقع بیشترین تعداد نیز هستند این باور دیده می‌شود که سعدی اگرچه به ظاهر به عنوان یک انسان اندیشمند و باتوجه تام به اجتماع و مردم وعظ می‌کرده، تعلیم می‌داده و سفر می‌کرده‌است؛ اما او واقعاً یک عارف است و این تفکر غنی عرفانی او بیشتر از همه در «غزلیات» و «بوستان» آشکار می‌شود.

حقیقت اینست که علی‌رغم همه پژوهش‌ها و احتمالات تاکنون ثابت نشده که سعدی به مکتب عرفانی خاصی تعلق یا شیخ و مراد خاصی داشته‌است؛ کاربرد اصطلاحات عرفان و تصوف با معانی و پیچیدگی تخصصی عارفانه هم در آثار او چشمگیر نیست که بتوان او را عارفی دانست که قصد شرح و آموزش تعلیم این طریقت را دارد و انتساب او به برخی فرقه‌های جوانمردی نیز به درستی نمی‌تواند نسبت عرفانی او را ثابت کند اما همین‌ها دلایلی برای عرفان محض سعدی دانسته شده‌اند چنانکه در کنار عرفانی دانستن غزلیات، بوستان را نیز عرفان نامه سعدی دانسته‌اند.

«... به عقیده بنده پایه و اساس آثار وی (سعدی) مگر مختصری که جنبه ادبی را بیشتر رعایت کرده‌است بر عرفان اسلامی قرار دارد... و نیز بنده را این عقیده است که شیخ سعدی نه تنها عارفی بوده‌است مانند دیگران بلکه وی عارفی است که خواسته‌است برای تمام طبقات مردم سخن بگوید...» (محلّاتی، ۱۳۴۶، ص ۶). نظرات دیگری هم درباره عرفان سعدی دیده می‌شود که ملایم‌تر و به واقعیت نزدیک‌ترند. «... اساس

تربیت سعدی حکمت عملی و ذوق زندگی ست و راه او راه میانه‌ای است که حزم و دوراندیشی یک خردمند جهان دیده برمی‌گزیند ... سعدی برخلاف بسیاری اهل طریقت به دنیا پشت پا زده و ترک دنیا نگفته است.» (حاکمی، ۱۳۶۵، ۲۹۵).

در کتاب «حدیث خوش سعدی» ضمن برتری اعتدال در اندیشه سعدی، عرفانش معتدل‌ترین، بی‌ریا‌ترین و عملی‌ترین نمونه عرفان دانسته شده است و این اعتقاد وجود دارد که شطحیات عربده‌جویانه، دعوی‌های گزاف هدیانی که در کلام اهل سکر موجب رمیدگی خاطرهاست جز به ندرت در مطاوی آنها نیست. (زرین کوب، ۱۳۷۹، ۱۱۳).

با جمع‌بندی نظرات متفاوت این نتیجه حاصل می‌شود که عرفان سعدی علی‌رغم همه دلایلی که در اثبات و فراگیری آن ذکر می‌شود، متعادل، عملی و اخلاقی است زیرا چنان‌که از شواهد تاریخ و آثار او برمی‌آید مدار زندگی سعدی بر عرفان محض نیست و عشق و علاقه او به آدمیت و درآمیختگی اندیشه‌اش با سیاست، اجتماع و مردم او را از کناره‌گیری از انسانها برحذر می‌دارد.

۲-۲-۲) سعدی و امام محمد غزالی

تأثیرپذیری از امام محمد غزالی و نمود روشن آن در آثار شیخ یکی از مهمترین موضوعات حوزه عرفان در سعدی پژوهی است که مورد توجه نویسندگان مقالات این دوره نیز بوده است. در این دوره مقاله «جایگاه عرفان و تصوف در اندیشه‌های سعدی و اثرپذیری او از اندیشه‌های غزالی» (محسنی نیا، غفوریان) اختصاصاً و برخی دیگر به طور ضمنی به این امر پرداخته و توجه نشان داده‌اند.

عقاید مشترک سعدی و غزالی به گرایش صوفیانه غالب جامعه و به نظامیه برمی‌گردد. کتاب «احیاء العلوم» غزالی که اصل کتاب فارسی «کیمیای سعادت» اوست مایه‌ای کامل از آموزه‌های عرفانی، دینی و اخلاقی دارد و سعدی که پس از چند قرن از غزالی در نظامیه آن را تدریس می‌کرده از آن بسیار متأثر شده است.

غزالی که در درجه اول یک عالم اخلاق است، اخلاق صوفیانه و فقیهانه را در همین کتاب (چهار جلد عربی کتاب احیاء العلوم) به تفصیل بیان کرده است و سعدی که آموزگار همین کتاب بوده تحت تأثیر آموزه‌های آن بعدها در آثار خود نشانه‌های فراوانی از این تأثیرپذیری را بروز داده است.

تحصیل و تدریس سعدی در نظامیه و الزام به آموزش دروس تعیین شده آن مرکز که عموماً جنبه دینی، اخلاقی و عرفانی داشتند عامل مهمی در تأثیرگذاری این مباحث و نویسندگان آنها از جمله غزالی بر شخصیت و نگرش سعدی شده و یا نگرش پیشین وی را تقویت و نهادینه کرده است.

بنابراین شکل اشعری عرفان، شریعت محور بودن و روش طریقتی _ شریعتی از وجوه اشتراک سعدی و غزالی شمرده می شود.

برخی از پژوهندگان بر این باورند که بخش وسیعی از گلستان و بوستان و حتی غزلیات سعدی همان آموزه های اخلاقی و دینی غزالی است که پوششی هنری و بدیع بر تن کرده و دوباره رخ نموده است. شریعت مداری سعدی در بین حکایات و بیانات حتی عاشقانه او کاملاً آشکاراست و او را به غزالی در باورمندی و پایبندی به اصول دین و شریعت نزدیک می کند. از دیگر شباهت های آن دو روش عرفان اخلاقی و تربیتی آنان است. روش تربیتی - اخلاقی سعدی که بیشتر در گلستان و بوستان نمود دارد تحت تأثیر مجموعه عوامل محیطی، آموزشی، و نیز تأثیرپذیری از عالمی اخلاقی چون امام محمدغزالی است. با توجه به مشرب عرفانی غزالی و اینهمه تأثیرگذاری او بر سعدی این نتیجه حاصل می شود که قسمت عمده آثار سعدی بر محور مفاهیم اخلاقی - عرفانی و با تکیه بر اصول شریعت است.

۳-۲-۲) اخلاق

ادوارد براون و آن ماری شیمل از جمله کسانی هستند که سعدی را شاعری اخلاقی می دانند و علت جذابیتش را برای اروپاییان همین سبک ساده و دلنشین و عقل عملی و حکایات نمکین او می دانند. (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص ۵).

چنانکه در بخش پیشین اشاره شد رویکرد اخلاقی سعدی رویکردی عرفانی و منبعث از اخلاق قرآنی است که به طور خاص به رابطه انسان و خداوند تکیه دارد یعنی همان که سعدی را در این زمینه به غزالی نزدیک می کند. آنچه برای سعدی مهم است ارزش های اخلاقی جامعه است. وی تعالیم عرفان و تصوف را تا آنجا که در جهت پیشبرد این نوع اخلاق مؤثر بدانند قبول دارد و به آن پای بند است.

هرچند سنجش معیارهای اخلاقی سعدی با مکتب های اخلاق گرای معاصر در آثار سعدی پژوهان نیز دیده می شود و کراراً آثار شیخ و افکار او از دیدگاه نقد اخلاقی بررسی شده اند اما در بخش تفکرات عرفانی وی، پیوند اخلاقیات سعدی با باورها و اصول عرفانی او بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

۴-۲-۲) تصوف و درویشی

توجه به آثار سعدی و جستجوی مفاهیم عرفان و تصوف باعث شده است پژوهندگان نظرات متفاوتی داشته باشند اما عمدتاً او را یک صوفی تمام عیار و کسی که در تلاش است تعالیم تصوف را گسترش و آموزش دهد نمی دانند و برای این دیدگاه خود علل چندی را بیان می کنند مانند حکایت هایی از گلستان با موضوع

تصوف کاذب، نام نبردن از کسانی که در عالم تصوف به تندروی شهره بوده‌اند مانند حلاج و عدم تمایل به تأملات صوفیانه.

توجه سعدی به تصوف و دراویش (که گاه دیده‌می‌شود) نه به این دلیل است که گرایش قطعی و تمامی به این فرقه دارد بلکه در آمیختگی برخی اصول آنان با قلمرو اخلاق و تربیت است که وی را به این سوی می‌کشاند. به همین دلیل اشعار و حکایاتی دربارهٔ اخلاق نکوهیدهٔ دراویش و تصوف کاذب در آثار او دیده‌می‌شود. همچنین استفاده از اصطلاحات مربوط به تصوف نه به دلیل وابستگی و اعتقاد به آنان بلکه به دلیل فراوانی کاربرد این واژه‌ها در این عهد به نظر می‌آید.

در مقالات مورد بررسی تصوف محض سعدی تأیید نمی‌شود که دیدگاهی درست است. آنان با استناد به متن و نشانه‌هایی که از زندگی و اندیشهٔ سعدی به دست می‌دهند دیدگاه خود را اثبات می‌کنند. اما در برخی منابع تصوف سعدی به گونه‌ای دیگر دیده‌شده است. «... سعدی به نوعی از تصوف که در آن طریقت و شریعت به هم آمیخته بودند و در بغداد آن سال‌ها به وسیلهٔ شیخ شهاب‌الدین سهروردی تعلیم می‌شد گرایش داشت» (زرین کوب، ۱۳۴۴، ص ۴۷).

تحصیل در نظامیه و در فضای مذهبی و آموزشهای عرفانی آن همراه با شرایط ویژهٔ اجتماع زمان سعدی و شهر شیراز که از گذشته‌های دورتر جایگاه متصوفهٔ بزرگ مانند شیخ روزبهان بقلی (شطاح فارس، ۵۳۲) و محمدبن خفیف شیرازی (شیخ کبیر، ۳۷۱) و وجود خانقاه‌های بسیار که در گزارش‌های ابن بطوطه ذکر آن رفته، تأثیرات لازم را بر اندیشهٔ سعدی گذاشته است که می‌تواند از دلایل آشکار توجه سعدی به تصوف باشد. نام‌گذاری برخی باب‌های بوستان و گلستان و «تمایلات عارفانه و شور عاشقانه‌ای که در غزلیاتش تجلی می‌کند و نشانه‌های صوفی‌گری که در جای‌جای بوستان و گلستان دیده می‌شود حتی برخی تمثیلات گلستان که مربوط به تصوف است» (دستغیب، ۱۳۹۱، ۱۰۳۶) و وجود جوهر تصوف در رسالات نثر او و انتسابش به سلسلهٔ صوفیان نقش بندیه و کسب فیض از حضور «شیخ دانا» عوامل و نشانه‌های دیگری هستند که علاقه-مندی و گرایش سعدی به این مشرب فکری را در او تقویت می‌کند. هرچند علی‌رغم ذکر همهٔ این شواهد کراراً گفته شده است مرام سعدی تصوف محض نیست و صوفیان و دراویش در آثار او رفعت مقام و موقعیت ندارند و در این زمینه وسعت فکری عارفانی چون سنایی، مولوی و عطار (تصوف عاشقانه) در آثار او دیده‌می‌شود زیرا توجه سعدی به شریعت و تلاش او در جهت قرار دادن سیر و سلوک بر پایهٔ دستورهای دینی، تصوف او را از حال و هوا و شور عاشقانه دور کرده است.

۵-۲-۲) رمز و تمثیل

رابطه نماد و تمثیل با ادب عرفانی بسیار تنگاتنگ است. در کتاب *رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی* (پورنامداریان، ۱۳۹۶) مفصلاً درباره معانی متعدد رمز و نماد توضیح داده شده است و بر اساس اصل موضوع کتاب آثار برجسته‌ای را معرفی می‌کند که از داستان‌های تمثیلی استفاده کرده یا بر مبنای تمثیل شکل گرفته‌اند. نماد یا رمز زمانی به کار می‌آید که نتوان یک معنی انتزاعی را تجسم و تصور کرد یعنی بیان و توصیف حقیقتی فراتر از قوه درک و دریافت به وسیله رمز. البته درک همین معنی نهان رمز و تمثیل خود دانش و فهمی ویژه نیاز دارد زیرا حتماً معانی نهانی که قابل بیان نیستند عمق و دشواری زیادی دارند و همه کس قادر به درک آن نخواهند بود.

یونگ نیز معتقد است: «سمبل‌شی‌ای است از جهان شناخته شده که به چیزی از جهان ناشناخته اشاره می‌کند» (یونگ، ۱۳۹۶، ص ۴۲۵)

کاربرد رمز و تمثیل و دلالت آن بر معانی عمیق و پنهان عرفانی از جمله مواردی است که برخی معتقدان به برتری و جهت‌عرفانی آثار سعدی به آن عنایت ویژه دارند. در مقاله‌ی «*تصویرپردازی آب در غزلیات سعدی*» (محسنی و اسفندیار) ادعا شده است که همه‌ی مضامین مربوط به آب در شعر سعدی تفکر عارفانه‌ی موجود را قوی‌تر و مفاهیم زیرساختی عمیق‌تری را اراده می‌کند مثل دریا که همان دریای عطار و مولاناست و نماد عشق و وحدت و معرفت است و اینها یعنی عشق در آثار سعدی (غزلیات) از حد عشق زمینی فراتر رفته و در جهان ظاهر باقی نمی‌ماند.

در گلستان و بوستان هم حکایات تمثیلی و تمثیل‌ها و استعارات و نمادهایی به کار رفته که نمادهای طریقت صوفیه‌اند. این برداشت و نگرش باتوجه به ویژگی آرمانگرایی بوستان درباره مفاهیم و عبارات این اثر پذیرفتنی به نظر می‌رسد اما نمی‌شود به راحتی بخش وسیعی از گلستان را تمثیلات دینی و عرفانی بدانیم. باب پنجم گلستان از جمله مواردی است که بر تمثیل‌های عرفانی زیادی در آن انگشت نهاده‌اند، مثل حکایت‌های قاضی و نعلبند پسر یا حکایت پارسایی که به محبت شخصی مبتلا شده بود و معتقدند این حکایتها دارای زبان رمزی و تمثیلی عرفانی هستند و حکایت از عشق الهی دارند درحالی‌که عمده سعدی پژوهان فضای حاکم بر داستان را مادی و محسوس تلقی می‌کنند.

۶-۲-۲) بوستان و گلستان

بیشتر آثار قلمی پژوهندگانی که به عرفان سعدی پرداخته‌اند متوجه غزلیات اوست که یکی از مهمترین علل آن ویژگی خاص قالب غزل و درهم تنیدگی آن با مفاهیم عاشقانه و عرفانی است.

در باب بوستان و گلستان هم این‌گونه تحلیل و نظریه پردازی‌ها کم نیستند به ویژه بوستان که «برخی آن را عارف نامه یا نامه عرفان سعدی خوانده‌اند» (محلّاتی شیرازی، ۱۳۴۶، ۸-۶)

بوستان یا مدینه فاضله سعدی از دیرباز از نظر فضای آرمانگرایی، بایدها و پندهای اخلاقی و اجتماعی اثری ویژه دانسته می‌شود. آرمانگرایی بوستان با همه بایدها و نبایدهای کمال‌گرایانه به هدف آموزهای عرفانی بسیار نزدیک و گاه یکسان می‌نماید. انسان آرمانی بوستان همان انسان راستین عرفان است و روش و هدف زیستن همان سیر و سلوک عرفانی. پس مهمترین دلیل باورمندان مشرب و تفکر عرفانی حاکم بر بوستان انطباق همین موارد به علاوه اخلاق مداری، مدارا، عبودیت و حق‌گرایی و موادی از این دست با اصول عرفانی است. از دیگر دلایل، وجود اسامی برخی عرفا، اصطلاحات صوفیه، تأکید فراوان بر چگونگی عملکرد و اخلاق درویشان (با دیدی مثبت) و مهمتر از همه عشق است که بوستان را از نردبان عرفان بالا برده و بر صدر نشانده است.

در بوستان یا مرامنامه اخلاقی سعدی، «سعدی» از هر نگاه و در هر باوری در کنار عشق‌ورزی معلم اخلاق است. او که به انسانیت و زندگی عشق می‌ورزد در تلاش است بهترین روشهای زیستن را بیاموزد و یادآوری کند. عشق‌ورزی، کم‌آزاری، بندگی خالصانه، قدر عمر دانستن و... مفاهیمی هستند که بیانگر دیدگاه جامع وی در باب زندگی انسان است و آیا هدف عرفان چیزی جز این‌هاست؟ اینجاست که اخلاق و عرفان در آموزه‌هایشان مشترک می‌شوند. هم‌چنین با توجه به آنچه در بخش تمثیل گفته شد هرآنچه سعدی گفته است در حالی که می‌تواند حکایاتی آموزنده از یک زندگی واقعی باشد می‌شود مضامین عرفانی را نیز بر آن حمل کرد.

یکی دیگر از دلایل پذیرفتنی «دبیاچه‌ی بوستان» است که خود بیانیه‌ی عرفانی سعدی است. توجه به آیات و احادیث، اندیشه‌های ملامتی و اصطلاحات عرفانی و استفاده از آنها در خلق مضامین هنری هم‌چنین توجه به فتوت و ذکر نام عارفانی چون بایزید، جنید، معروف کرخی ذوالنون مصری دلالت‌های دیگری بر عرفانی بودن این منظومه قلمداد می‌شود.

گلستان: مجموعه‌ی پژوهش‌های سعدی‌شناسانه به طورکلی همواره اندیشه‌ی واقع‌گرایی را با گلستان همراه و هم‌سو می‌داند چنانکه آرمانگرایی را با بوستان. اما واقع‌گرایی سعدی گاه نه تنها در گلستان بلکه مبنای همه آثار دانسته می‌شود «اشعار سعدی عین زندگی و تفکرات او بر مبنای واقعیت است ... واقع‌نگری سعدی باعث می‌شود ابتدا جلوی پایت را درست ببینی بعد قدم برداری» (داوری، ۱۳۸۸، ص ۴). در همین مقاله سعدی در عشق هم واقع‌اندیش معرفی می‌شود و همین واقع‌گرایی، عشق را در غزلش مجازی تر می‌کند.

سید محمدعلی جمالزاده نیز واقع‌گرایی سعدی را پسندیده‌تر از همه صفات او می‌شمارد و این ویژگی او را بسیار گرانقدر و کمیاب و او را از این جهت بی‌نظیر می‌داند. (مجله ایران نامه، ۱۳۶۲، شماره ۴)

آنچه درباره واقع‌گرایی سعدی وجود دارد بیشتر درباره گلستان سعدی است. اثری که حوادث زندگی را آنچنان که خود سعدی تجربه کرده یا در اجتماع و زمان او مرسوم بوده به تصویر می‌کشد. بنابراین هرچند عرفان و صوفی‌گری از گرایش‌های فکری دوران او بود و سعدی به هیچ روی از تأثیرات آن برکنار نبوده‌است نمی‌توان گلستان را به راحتی اثری عرفانی قلمداد کرد و حکایات گلستان را تمثیلات عرفانی دانست؛ اما علی‌رغم یک صدایی و همفکری درباره غلبه‌ی واقع‌گرایی در گلستان، در همین مقالات جای‌جای تکیه به وجود تعبیر عرفانی در گلستان دیده می‌شود؛ از جمله باب پنجم گلستان حاوی تعبیر و حکایات تمثیلی عرفانی دانسته شده است.

در مقاله‌ی «لطایف عرفانی عشق در باب پنجم گلستان» (نیری، سعدی شناسی) این لطایف عرفانی با استناد به حکایاتی توضیح داده می‌شود تا ثابت شود تفکر عرفانی سعدی تفکری غالب است که بر حکایات گلستان هم سایه انداخته و سعدی تجارب انتزاعی و عرفانی خود را به صورت حکایات ملموس و محسوس و واقعی توصیف کرده‌است.

اگرچه این دیدگاه برای بوستان به ذهن و باور نزدیک‌تر است تا گلستان اما می‌توان از این زاویه هم به گلستان نگریست و باب جدیدی در آن گشود و با تأمل و بررسی بیشتر به تحلیل عرفانی گلستان و تمثیل عرفانی دانستن آنها نظر داشت.

۲-۳) دیدگاه «متن باز»

مسائل مطرح شده در این مبحث گاه به همدیگر نزدیک یا یکسان و گاه کاملاً متفاوت اند مثل باور به عشق حقیقی یا مجازی (بیشتر در غزل‌ها)، تمثیلی دانستن حکایات یا واقعی دانستن آنها و... اکنون باید گفت آیا می‌توان دلیل اینهمه اختلاف را در این زمینه ریشه‌یابی کرد آنها را برطرف کرد و به یک نگاه یکسان رسید؟ اینجا این فرضیه شکل می‌گیرد می‌توان از دیدگاه هرمنوتیک هم به جریان معنی‌یابی در این آثار نگریسته شود سپس براساس نظر هرمنوتیک‌های جدید معنا را وابسته به خواننده و قرائت دانست یعنی بپذیریم معنا در متن قطعی نیست. اما در این صورت تأثیر شخص سعدی و تفکرات و اندیشه غالب زمان او چه خواهد شد؟ آیا می‌شود سعدی را کنار گذاشت و فقط در آثار او به جستجوی معنی و تأویل آنها پرداخت؟

در مقالات بررسی شده همه جا تأثیر و هدف و نیت نویسنده (سعدی) مورد توجه است و تأثیر وضع روحی مؤلف و اندیشه‌هایش همه جا و در همه‌ی متن‌ها دیده می‌شود؛ در اینصورت قاعداً مطالعه زندگی مؤلف و اعتقادات و دانش‌های او به شناخت و دریافت متن کمک می‌کند.

«آنچه امروزه بدان دایره یا دور هرمنوتیک می‌گویند در مصطلحات او (شلایرماخر) دور شناخت است بدین معنی که برای فهم سخن گوینده باید او را شناخت و برای شناخت او باید سخنش را شناخت. افراط در هریک از این دو جنبه باعث اشتباهات و لطمه‌هایی می‌شود. مثلاً ما از زندگی سعدی تقریباً چیزی نمی‌دانیم اما بر مبنای آثار او برای او زندگی نامه‌ای نوشته‌ایم که غالباً در مقابله با اسناد تاریخی دچار مشکل می‌شود... سپس بر مبنای این زندگی‌نامه‌ی خیالی در افکار سعدی بحث و در ابیات او معنی‌گذاری کنیم...» (شمیسا، ۱۳۸۶، ص ۳۱۶).

هرمنوتیک‌های جدید هم معتقدند اگرچه نباید برای فهم معنای متن به نیت مؤلف متکی بود اما بررسی اسناد و اطلاعات تاریخی نیز مفید و مهم است. بنابراین می‌توان با شناخت دوره و حوادث تاریخی و اجتماعی عصر سعدی تا حدودی به بنیان‌های فکری او پی برد و با توجه به ساختار دستوری و هنری و فنی متن و تطبیق و مقایسه با هم‌عصران و شاعران و نویسندگان دیگر و نیز آگاهی از سبک نگارش و فحوای کلی کلام او درباره آثارش اظهار نظر کرد. با این وجود بنابر طرز تفکر پژوهنده و سطح دانش و توانایی و نوع ارتباطش با متن و همسازی آن متن با گرایش فکری او بازهم اختلاف نظرهای فراوان در تحلیل و تأویل این آثار فراوان خواهد بود.

از مجموعه مقالات این دوره یک مقاله کوتاه با دیدی متفاوت به این اختلاف‌ها و تفسیرهای متفاوت نگریسته است و با ارائه دیدگاه «متن باز» نظری تازه ارائه کرده تا بتواند همه اختلاف نظرها را در خود جای دهد. براساس این مقاله (سروستانی) دیدگاه متن باز می‌تواند کمک کند تا این تجزیه و تحلیل‌های متفاوت پذیرفتنی و مقبول باشند زیرا «هیچ متنی معنای مطلق ندارد، معنی هر متنی عارضی است یعنی تابعی از فرهنگ حاکم بر زمان قرائت و نیز اندیشه و توان خواننده» (ص ۵).

۳) نتیجه

جریان پویای سعدی پژوهی با کارنامه پر و پیمانش تاکنون با دربرگرفتن وجوه گوناگون آثار و افکار سعدی، آثار گرانقدری عرضه و ابهامات زیادی را برطرف نموده است. باوجود این بستر پژوهشی مناسب جای آن دارد بیش از گذشته، از منظرهای مختلف و با تکیه بر علوم جدید شناختی، آموزه‌ها و دانش‌های تازه از متن این آثار مکشوف و ارائه گردد. یکی از این زمینه‌های پژوهشی، نقد و تحلیل نقدهایی است که بر موضوعات مختلف سعدی شناسی نوشته می‌شود. در این حیطه تلاش می‌شود با گردآوری، دسته‌بندی

موضوعی و نقد و بررسی آنها، غث و ثمین پژوهش‌ها و تکرارها و بدایع آنها آشکار، نیازهای تازه پژوهشی معلوم و مسیرهای تازه پژوهشی نیز گشوده‌شود.

«عشق و عرفان» موضوعی برجسته در پژوهش‌های سعدی‌شناسانه است که آثار فراوانی نیز پیرامون آن نوشته شده است. پژوهش حاضر با نیم‌نگاهی منتقدانه به تحلیل و بررسی تعداد نوزده مقاله با این موضوع در یک دوره‌ی مشخص می‌پردازد و دستاوردش چنین است که در مجموعه این مقالات (که برکنار از تکرار هم نیستند) نظرات و مستندات متفاوتی درباره «عشق» دیده می‌شود که ریشه در نگرش، گرایش فکری و دانش نویسندگان آنها دارد. هم‌چنین مجازی یا حقیقی دانستن مفاهیم عاشقانه از نگاه هریک از صاحب‌نظران با توجه به نگرش و تأیید استنادها و دلایل و شواهد آنها درست می‌نماید و نمی‌توان با رفع اختلاف نظرها درباره عاشقانه محض یا عارفانه محض بودن «عاشقانه‌های سعدی» به نظری واحد دست یافت و به اجماع رسید.

در این بررسی دیده می‌شود که برخی بر عاشقانه و برخی بر عارفانه بودن و عده‌ای بر آمیزه هر دو تأکید دارند اما این حقیقتی آشکار است که زیربنای عاشقانه‌های سعدی همانا حاکمیت ذات و اصالت عشق است به دور از اعراض و صفات و بنا به خاصیت و ظرفیت هنری و مفهومی این واژه کلیدی و شیوایی و رسایی بیان سعدی است که قابلیت تأویل به هر کدام از انواع عشق را پیدا می‌کند. پس بهتر است با در نظر داشتن شیوه‌ای از نقد هرمنوتیکی و با محوریت خواننده و لحاظ داشتن تأثیرات اجتماعی، آموزشی و اعتقادی بر تفکر سعدی قضاوت در این باب را بر عهده‌ی خواننده و تحلیل‌گر گذاشت و نتیجه‌گیری آنها را با اتکاء به اصالت متن، دریافت درست مفاهیم یا ارائه مستندات و مقایسه و تطبیق، معتبر و پذیرفتنی دانست تا بی‌توجهی به این مهم باعث یکسونگری و تعصب‌ورزی‌های بی‌پایه و مخمل‌نگردد و داستان عشق از دید سعدی با هر زبانی و با تعبیری نامکرر هم‌چنان زنده و پویانده بماند.

پی‌نوشت:

^۱ - سی و پنج سال پس از سعدی توسط اکبر بیستون به صورت جمع‌آوری کلیات و نوشتن مقدمه بر آن و دسته‌بندی و نام‌گذاری غزلیات.

۲- مقالات یک دهه (۸۵-۱۳۷۵) را به گونه‌ای تحلیلی - توصیفی بررسی کرده‌اند، عنوان پایان‌نامه: بررسی کارنامه ده ساله سعدی پژوهی - مقاله‌ها (۱۳۸۵-۱۳۷۶)

^۳ - ۱- آمیزه مفهومی جنگ و شکار و عشق در غزلیات سعدی، اصغر نژاد و فقیه ملک مرزبان، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۹۵.

۲- جایگاه عرفان و تصوف در اندیشه‌های سعدی و اثرپذیری از اندیشه‌های غزالی، محسنی نیا و غفوریان، بهار ادب، ۱۳۹۳.

- ۳- تصویرپردازی آب در غزلیات سعدی، محسنی و اسفندیار، بهار ادب، ۱۳۹۱.
- ۴- تصوف و سعدی و آراء سعدی در باب تصوف، همایون کاتوزیان، سعدی شناسی، ۱۳۹۴.
- ۵- تصویر معشوق در تصور سعدی(۱)، رشیدیان، حافظ، ۱۳۹۰.
- ۶- تصویر معشوق در تصور سعدی(۲)، رشیدیان، حافظ، ۱۳۹۰.
- ۷- تأملات عرفانی سعدی در بوستان، داراب پور و لویی، عرفانیات در ادب فارسی، ۱۳۸۹.
- ۸- در ستایش سعدی، فولادوند، سعدی شناسی، ۱۳۸۸.
- ۹- سعدی و تندروان تصوف، حمیدیان، سعدی شناسی، ۱۳۸۶.
- ۱۰- عاشقانه‌ها و عارفانه‌ها، کمالی سروستانی، سعدی شناسی، ۱۳۹۰.
- ۱۱- عاشقانه‌های سعدی به زبان تازی، میرقادری، سعدی شناسی، ۱۳۸۶.
- ۱۲- لطایف عرفانی عشق در باب پنجم گلستان، یوسف نیری، سعدی شناسی، ۱۳۸۸.
- ۱۳- مذهب عشق الهی در غزلیات سعدی، اعوانی، سعدی شناسی، ۱۳۹۲.
- ۱۴- مرد را راه به حق عقل نماید یا عشق، نیازکار، سعدی شناسی، ۱۳۹۱.
- ۱۵- منظومه عرفانی سعدی در بوستان، قربانی پور آرنانی، مطالعات عرفانی، ۱۳۸۹.
- ۱۶- موج سخن در غزل سعدی، یوسف نیری، سعدی شناسی، ۱۳۹۰.
- ۱۷- میان ماندن و رفتن، حمیدیان، سعدی شناسی، ۱۳۸۷.
- ۱۸- نگاه پاک سعدی، حسلی، سعدی شناسی، ۱۳۸۶.
- ۱۹- واسازی عشق در غزلیات سعدی، نجومیان، سعدی شناسی، ۱۳۸۶.
- ۴- رجوع به غزلیات، شرح فرح نیازکار. تقسیمات متعدد عشق از دیگر نوشتگان مانند خواجه نصیرالدین طوسی-ابن سینا و... آمده است.
- ۵- رجوع به شرح غزلیات نیازکار، ص ۱۱۹.
- ۶- مقاله‌های شماره ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰ که در پی نوشت شماره ۳ معرفی گردید.
- ۷- مانند اوحدالدین کرمانی
- ۸- مجالس پنجگانه و رسائل سه گانه
- ۹- این تعبیر را آقای کوروش سروستانی در مقاله «عاشقانه‌ها، عارفانه‌ها» (سعدی شناسی، ۱۳۹۰) به کار برده است.

منابع:

براون، ادوارد، ۱۳۳۹، *تاریخ ادبیات از سعدی تا جامی*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، چاپخانه دانشگاه.

پورنامداریان، تقی، ۱۳۹۶، *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، تهران، علمی و فرهنگی.

جمالزاده، محمدعلی، ۱۳۶۴، «واقع‌گرایی سعدی»، *مجله‌ی ایران‌نامه*، شماره ۱۲، صص ۶۶۹-۶۴۹.

- حاکمی، اسماعیل، ۱۳۶۴، «جلوه‌های عرفان در آثار منظوم سعدی»، گردآوری کمیسیون ملی یونسکو، ذکر جمیل سعدی، تهران، وزارت ارشاداسلامی، صص ۳۰۳-۲۹۳.
- حسنلی، کاووس، ۱۳۸۰، فرهنگ سعدی پژوهی، شیراز، مرکز سعدی‌شناسی و بنیاد فارس‌شناسی.
- داوری، پریسا، ۱۳۸۸، «برخی اندیشه‌های واقع‌گرایانه سعدی در بوستان و گلستان»، مجله‌ی پژوهشنامه‌ی ادبیات تعلیمی، شماره ۳، صص ۹۰-۵۹.
- دستغیب، عبدالعلی، ۱۳۹۱، مقالات دستغیب، تهران، خانه‌ی کتاب ایران.
- دشتی، علی، ۱۳۵۴، در قلمرو سعدی، تهران، امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۴۴، ارزش میراث صوفیه، تهران، آریا.
- _____، ۱۳۷۹، جستجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر.
- _____، ۱۳۷۹، حدیث خوش سعدی، تهران، نشر سخن.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۹۲، سبک‌شناسی شعر، تهران، میترا.
- _____، ۱۳۸۶، نقد ادبی، تهران، میترا.
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۸۶، تاریخ ادبیات فارسی، جلد ۳، تهران، تابش.
- عبادیان، محمود، ۱۳۸۴، تکوین غزل و نقش سعدی، تهران، اختران.
- فروغی، محمدعلی، ۱۳۶۹، کلیات سعدی، تهران، امیرکبیر.
- ماسه، هانری، ۱۳۶۹، تحقیق در باره سعدی، ترجمه، محمدحسین مهدوی و غلامحسین یوسفی، تهران، توس.
- محلاتی شیرازی، صدرالدین، ۱۳۴۶، مکتب عرفان سعدی، شیراز، دانشگاه پهلوی شیراز.
- نیازکار، فرح، ۱۳۹۰، شرح غزلیات سعدی، تهران، هرمس.
- هخامنشی، کیخسرو، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، حکمت سعدی، تهران، امیرکبیر.
- یونگ، کارل گوستاو، ۱۳۹۶، انسان و سمبولهایش، ترجمه دکتر محمود سلطانیه، تهران، مصدق.

References

- Brown, Edward. (۱۹۶۰) Literary history of Iran from Saa'di to Jami; translated by Ali Asghar Hekmat, Tehran, University Press.
- Davari, Parisa. (۲۰۱۸). "Some of Saadi's realistic thoughts in Bostan and Golestan", Journal of Educational Literature, No. ۳, pp. ۵۹-۹۰.
- Dastgheib, Abdol Ali. (۲۰۱۳). Dastgheib's articles, Tehran, Iran Bookstore.

- Dashti, Ali .(۱۹۷۵). Saadi Kingdom, Tehran. Amirkabir.
- Ebadian, Mahmoud. (۲۰۰۵). The sonnet evolution and the role of Saa'di, Tehran, Akhtran.
- Foroughi, Mohammad Ali.(۱۹۹۰). Saa'di's Work, Tehran, Amirkabir.
- Hakemi, Ismail, (۱۹۸۵), "impacts of mysticism in Saadi's poems", compiled by the UNESCO National Commission, mentioned by of Jamil Saa'di, Tehran, The Ministry of Culture and Islamic Guidance. pp. ۲۹۳-۳۰۳.
- Hakhamenshi, Kei Khosro,(۲۰۳۵ of royal calendar), Saadi's wisdom, Tehran, Amirkabir.
- Hassanali, Kavos. (۲۰۰۰). Culture of Saadi Research, Shiraz, Saadi Studies Center and Persian Studies Foundation.
- Jamalzadeh, Mohammad Ali, (۱۹۸۵), "Saadi's realism", Irannameh magazine, no ۱۲, pp. ۶۶۹-۶۷۹.
- Jung, Carl Gustav, (۲۰۱۶), Man and his Symbols, translated by Dr. Mahmoud Soltanieh, Tehran, Mosaddeq.
- Maseh, Henry. (۱۹۹۰). Research on Saa'di. Translated by Mohammad. Hassan Mahdavi Ardebili and Gholam Hossein Yousefi. Tehran: Toos. Mousavi,
- Mahalati Shirazi, Sadrouddin. (۱۹۶۸). The school of Saa'di's mysticism, Shiraz, Pahlavi University of Shiraz.
- Niazkar, Farah. (۲۰۱۱). Description of Saadi's lyric poems, Tehran. Hermes
- Pournamdarian, Taghi (۱۳۹۶). Mysteries and mysteries in Persian literature, Tehran: Scientific and cultural journal
- Shamisa, Siros. (۲۰۱۲). Stylistics of Persian prose. Tehran: Mitra .
- Shamisa, Siros. (۲۰۰۶). Literary criticism, Tehran, Mitra.
- Safa, Zabihullah, (۲۰۰۶), History of the development of Persian Literature, Volume ۳, Tehran, Tabash.
- Zarinkoob, Abdol Hossein, (۱۹۶۶), The Value of Sofia's Heritage, Tehran, Aria.
- Zarinkoob, Abdol Hossein, (۱۹۹۹), Search in Iranian Sufism, Tehran, Amirkabir.
- Zarinkoob, Abdol Hossein, (۱۹۹۹), Saadi's melodic/joyous anecdote, Tehran, Sokhon Publishing House.